



رویداد «شوق خدمت ۳» با مشارکت پرشور اهالی محله گاز در مسجد پنج تن آل عبا^(ع) برگزار شد

جشن انقلاب در دل محله

تاجی با آغاز جشن های دهه فجر، مجموعه فرهنگی مذهبی پنج تن آل عبا^(ع) در محله گاز حال و هوایی تازه به خود گرفت. «رویداد شوق خدمت ۳» هم زمان با شروع این ایام مبارک و به همت بسیج خواهران اطهر و همکاری بخش فرهنگی مسجد و حسینیه پنج تن آل عبا^(ع) و همچنین تعامل و همکاری بسیج شهرداری و مشارکت فعال مردم محله برگزار شد. این رویداد تلاش کرد جشن انقلاب را با خدمت رسانی اجتماعی و نشاط محلی پیوند بزند.

● وقتی مسجد، رنگ همدلی می گیرد

دوازدهم بهمن و هم زمان با افتتاح نمایشگاه، سری به این مجموعه زدیم. امسال به دلیل تقارن آغاز دهه فجر با میلاد امام زمان^(عج)، شور و شغف مراسم دوچندان بود. هنوز به ورودی مسجد نرسیده، جنب و جوش نوجوانان بسیجی توجهمان را جلب کرد؛ نوجوان هایی که مشغول تزئین دیوارهای مسجد و پیاده روارطراف با پرچم های ایران و ریشه های رنگی بودند. تلاقی جشن های انقلابی با برنامه های خود جوش مردمی، فضایی شاد و پرنشاط به محله بخشیده بود؛ فضایی که بیش از هر چیز، رنگ مشارکت و همدلی داشت. پس از اقامه نماز مغرب و عشا، همراه با جمعیتی که برای بازدید از نمایشگاه آمده بودند، راهی حسینیه در طبقه دوم مسجد شدیم؛ جایی که غرفه های متنوع نمایشگاه برپا شده بود. با اینکه تنها چند ساعت از افتتاح رسمی گذشته بود، استقبال مردم چشمگیر و حتی غافلگیرکننده به نظر

می رسید. صدای سرودهای انقلابی، ذوق و شوق کودکان و رفت و آمد خانواده ها، حسینیه را به فضایی زنده و پرهیجان تبدیل کرده بود.

● غرفه هایی برای همه سلیقه ها

در میان جمعیت، مریم رستمی، فرمانده پایگاه بسیج اطهر و مسئول برگزاری نمایشگاه، همچنان مشغول هماهنگی امور بود. او درباره بخش های مختلف این رویداد این طور گفت: از امروز ۱۲ بهمن تا ۱۴ بهمن میزبان اهالی هستیم و در کنار غرفه های محصولات خانگی و صنایع دستی بانوان، تلاش کردیم غرفه هایی متنوع و کاربردی هم داشته باشیم. غرفه عکاسی، آموزش خیاطی، طراحی چهره، ورزش، نقاشی و ویژه کودکان و فروش کتاب، از بخش هایی است که با استقبال خوب خانواده ها مواجه شده است.



او ادامه داد: مشاوره و روان شناسی، کنترل فشار و قند خون، مامایی و ویزیت رایگان پزشک عمومی، از دیگر بخش های نمایشگاه است که با نوبت دهی منظم، به ویژه به سالمندان و نیازمندان محله، خدمت رسانی می کند.

● هم خرید هم اطمینان

در غرفه کتاب فروشی، امیرعباس گوهری، نوجوان بسیجی مسجد، با حوصله، مشغول معرفی کتاب ها به مراجعه کنندگان بود. او درباره انگیزه حضورش در نمایشگاه گفت: چند روز قبل از شروع نمایشگاه، همراه دوستانم برای آماده سازی غرفه ها به مسجد می آمدیم. دوست داشتم سهمی در این کار داشته باشم و چون به کتاب علاقه دارم، مسئول غرفه فروش کتاب شدم.

در میان بازدیدکنندگان، آقای مالکی، از اهالی محله، همراه خانواده اش برای دیدن نمایشگاه آمده بود. او تأثیر چنین برنامه هایی را بسیار مثبت ارزیابی کرد و گفت: این نمایشگاه ها هم ارتباط مردم با مسجد را تقویت می کند و هم می تواند حمایت خوبی از خانواده ها باشد. خانواده هایی که تولیدکننده هستند، فرصت عرضه محصولاتشان را پیدا می کنند و خریداران هم با خیال راحت تری خرید می کنند؛ چون هم قیمت ها مناسب تر است و هم به کیفیت و سلامت محصولات اعتماد دارند. اجرای سرود توسط گروه سرود دختران اطهر و پسران مسجدی، شور برنامه را دوچندان کرد. نگاه های پراز رضایت پدران و مادران، نشان می داد که این فعالیت های فرهنگی و مذهبی، توانسته اعتماد و همراهی خانواده ها را جلب کند.

مسجد امام سجاد(ع) در محله فجر

میزبان جشن تکلیف دانش آموزان دبستان سارا بود

من دیگر بزرگ شده ام



عیدگاه

● تصمیم های تازه

گردی مقنعه، برای صورت گرد و گونه های گوشت آلود مهرانا مجرب، تنگ است. باورمان می شود عمق شادی اش را وقتی می گوید «خیلی خوشحالم» و آن را با لبخندی نمکین، ضمیمه می کند. از فرط هیجان مراسم و فضایی که تا به حال تجربه نکرده است، دست هایش را به هم می فشارد و از تصمیم های بزرگانه ای می گوید که در آستانه ورود به دنیای بندگی، گرفته است: حالا که بزرگ شده ام، می خواهم همه نمازهایم را بخوانم و روزه هم بگیرم. تازه، قرآن هم بلدم بخوانم.

او که با چادر عربی سبزمقام خود و معصومیت جاری در چهره و رفتارش، به فرشته ای کوچک می ماند، زیباتر از ماکت فرشته هایی که در محراب مسجد، جانمایی شده اند، ساده می گوید که دنیا را زیبا می خواهد برای همه و حاضر است برای حال خوب دیگران، هزینه کند؛ «می خواهم از پول توجیبی هایم به نیازمندان کمک کنم تا خدا خوشحال بشود. کسی را اذیت نمی کنم و دعوا را نمی اندازم». مهرانا با دست های کوچکی که از آستین کشدار چادر نمازش بیرون آورده است، بنا دارد کارهای بزرگی انجام دهد و جشن امروز، انگیزه ها برای خوب بودن را بیش از همیشه در روح و جانش پر فروغ کرده است.

آرامش و شکرگزاری، حس می کنم قدم در مرحله ای تازه از رشد معنوی و مسئولیت پذیری گذاشته اند و این آغاز یک مسیر ارزشمند در زندگی شان است؛ مسیری که با بندگی خدا و آگاهی دینی همراه است.»

او برگزاری این جشن در مسجد را یک شروع می داند و می گوید: تجربه امروز ما، آغاز یک راه است برای تعامل بیشتر بین مدرسه، محله و مسجد تا با کمک هم، برای رسیدن به مدرسه تراز، موفق شویم.

● نتیجه دغدغه ای مشترک

«می خواستیم نگاه دخترانمان به عبادت و مسئولیت های دینی، مثبت و آگاهانه باشد و نشان دهیم راه پاسداری از ایمان و مقدرات، تربیت یک نسل مؤمن، آگاه و امیدوار است.» این ها را تکتم مشهدی، مسئول کانون فرهنگی هنری حضرت قائم آل محمد^(عج) می گوید. نتیجه تلاش و دغدغه های مشترک او و مدیریت مدرسه سارا به برنامه ای تبدیل شده است که همه از آن راضی اند: هم کودکان و هم والدین دانش آموزان. سارا صداقت، مادر دانش آموز، اسما صالحی با شادی می گوید: این دختر من است! همان نوزادی که شب ها در آغوشم بود و صدای قرآن، لالایی اش. ببینید چه ذوقی دارد از شنیدن سرودها. این روزها همه اش می گوید: من دیگر بزرگ شده ام و کار اشتباهی را انجام نمی دهم.

● افتخار، آرامش، شکرگزاری

جشن شروع شده است و همه هم ای شاد و دل چسب، در فضای مسجد، جریان دارد. عموروحانی، در جایگاهی که با یادکنک های سپید و سبز، آراسته شده است، ایستاده و با ادبیاتی ساده و کودکانه، با دختران تازه به تکلیف رسیده، صحبت می کند. دانش آموزان پایه سوم دبستان سارا هم در چند صف، روی سجاده های هم رنگ با چادرهای نمازشان، نشسته اند و به شوخی های عموروحانی، با خنده و دست و جیغ، واکنش نشان می دهند. سمانه شعریاف، مدیر مدرسه سارا، از حس غروری می گوید که از تماشای دختران مدرسه اش دارد؛ «حسی دارم آمیخته از غرور،